

کتابداری و اطلاع‌رسانی: در جست‌وجوی هویتی نو

دکتر غلامرضا فدایی^۱

چکیده

این مقاله ضمن توجه به اهمیت رشته کتابداری و اطلاع‌رسانی به فقر مبانی نظری آن اشاره دارد. اگرچه در دنیای غرب با گسترش موج جدید صنعتی شدن و نیاز روزافزون محققان به دانش، کتابخانه‌ها به‌عنوان جایگاهی برای عرضه یافته‌های علمی دارای رونقی دوباره شدند، با ظهور فناوری اطلاعاتی و قدرت اشاعه اطلاعات از طریق استفاده از ابزارهای جدید الکترونیکی و نوری این توجه و رونق دستخوش چالش گردید. شاید علت اصلی این است که در تبیین این رشته خاستگاه اصلی این علم و نیاز واقعی بشر به آن تبیین نشده است و به‌جای توجه به اصل نیاز بشر به بازیابی و طبقه‌بندی در علوم به سراغ مکانی رفته‌اند که این علوم در آن مجتمع شده است. به‌عبارت دیگر، ضرورت نیاز به دانش کتابداری از ضرورت وجود کتابخانه وام گرفته شده است. درحالی‌که کتابخانه خود حاصل و معلول نیازمندی انسان به بازیابی دانش در سایه طبقه‌بندی آن است. لذا، گاه آن را خدمت به اجتماع دانسته‌اند که هدفی جز تأمین رضایت مراجعه‌کنندگان ندارد. پیشنهاد این است که نام واقعی این رشته به دانش‌شناسی و اطلاع‌رسانی تغییر یابد که هم بیانگر محتوای آن به لحاظ توجه به نگاه دانشمندان به علوم و نحوه دسته‌بندی دانش‌ها نزد آنان است و هم رابطه بیشتری با اطلاع‌رسانی دارد که امروز محور توسعه است. با این پیشنهاد موضوع این علم تقسیم و طبقه‌بندی علوم و مسائل آن بررسی روابط بین حوزه‌های مختلف دانش - طولی و یا عرضی - است. طبعاً، با این تعریف یکی از مهم‌ترین زمینه‌های ظهور و بروز این حوزه علمی، کتابخانه است، یعنی کتابخانه مولود این نگاه است و نه موجد آن.

کلیدواژه‌ها

کتابداری و اطلاع‌رسانی، دانش‌شناسی، طبقه‌بندی، فلسفه، فلسفه علم، هویت‌شناسی

مقدمه

نام و نام‌گذاری از مسائل بسیار مهم در زندگی انسان است. وقتی نامی برای چیزی انتخاب می‌کنیم باید به گونه‌ای باشد که این نام به نوعی بیانگر ویژگی‌های آن چیز، خواص آن، و یا دست‌کم ناظر بر کاربرد آن باشد. این شکل نام‌گذاری را در اصطلاح، نام‌گذاری با مسما می‌نامند. یعنی نام به گونه‌ای است که تداعی‌کننده موجودیت، خاصیت ذاتی، و یا کاربرد آن است.

در نام‌گذاری علوم و دانش‌ها نیز این قاعده جاری و نافذ است. نامی که دقیقاً بیانگر محتوا، کاربرد، و یا دیگر خصیصه‌های ذاتی آن علم است به کاربران آن توش و توان بیشتری می‌دهد تا احساس کنند که در عالمی با معنا و در محیطی با مفهوم زندگی می‌کنند. این مقاله درصدد بیان آن است که آیا نام کتابداری برای این حوزه دانش گویاست؟ آیا این رشته همانند سایر رشته‌ها می‌تواند در حوزه‌های نظری بالنده باشد و از خود دفاع کند؟ آیا در نام‌گذاری این رشته به خصوصیات ذاتی آن توجه شده است؟ آیا مترادف گرفتن کتابخانه و کتابداری در اغلب موارد موجب این انحراف نشده است؟ اگر کتابداری به معنای علمی آن به طبقه‌بندی علوم پردازد بهتر می‌تواند واقعیت را بیان کند و همانند سایر علوم دارای موضوع، مسائل، و اهداف خاص خود باشد؟ در این صورت آیا پیوستگی حوزه‌ای آن به فلسفه منطقی‌تر نیست؟ در این صورت آیا می‌توان نام آن را به دانش‌شناسی تغییر داد؟ و آیا اطلاع‌رسانی، از لحاظ مفهوم، با واژه کتابداری بیشتر تناسب

دارد یا دانش‌شناسی؟

برای توضیح بیشتر لازم است این مسائل قدری بیشتر مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد. این مسائل می‌توانند در عناوین زیر دسته‌بندی شوند:

۱. مفهوم ایستا و نه پویا برای کتابخانه

و کتابداری

نامیدن حوزه‌ای از دانش به نام کتابداری در زبان فارسی خالی از اشکال نیست. از آنجا که رشته کتابداری رشته‌ای جدید و ورودش به کشور ما از آن هم جدیدتر است، صاحب‌نظران ناگزیر این نام را انتخاب کرده‌اند. شاید چاره‌ای هم جز این نداشته و این بهترین انتخاب در نوع خود با توجه به موقعیت زمانی و محیطی بوده است، چنان‌که در نام‌گذاری کتابشناسی هم چنین مسیری طی شده است (۱: ۱۲).

علی‌رغم تلاش و حسن نیت واضعان این نام و با توجه به قداستی که نام کتاب در فرهنگ و دین ما دارد، به نظر می‌رسد نتوانسته است قابلیت و شأن و منزلت این رشته را نزد جامعه و نیز مخاطبان خاص آن برآورده کند. این مطلب نزد پیشکسوتان و صاحب‌نظران این رشته سابقه‌ای دیرینه دارد. به مطلب زیر به‌عنوان نمونه توجه کنید:

«قرن‌ها پیش، آن‌که کتاب را ثبت می‌کرد و کتاب می‌داد و کتاب می‌گرفت کتابدار می‌خواندند. و این کلمه درست معادل book keeper بود. اما کلمه اخیر در زبان انگلیسی برای این مفهوم، دیگر مرده است و کلمه Librarian نیز رو به مرگ است. در این زمان

از کلمه Information scientist استفاده می‌شود. تازه همین عبارت جدید هم برای همگان رسا و گویا نیست» (۲: ۲۲).

این نام برای این حوزه دانش دست‌کم از دو جنبه مشکل دارد. اول از این جهت که واژه کتابداری دلالت مطابقی با محتوای این رشته ندارد و چه بسا با دلالت التزامی هم بیانگر مفهوم واقعی آن نیست و نمی‌تواند دوستاناران و متخصصان این رشته را به‌خوبی اقناع کند.^۲

البته برای شاغلان این حرفه و تحصیلکردگان این حوزه علمی، بیشتر در آغاز کار این سؤالات به‌وجود می‌آید ولی عموماً وقتی با آن آشنایی پیدا کردند مشکلات کم‌کم رفع می‌شود و یا به آن عادت می‌کنند. این

عادت و دلبستگی، نه دلبستگی به نام است بلکه آنان به محتوا دل می‌بندند و ناچار به نام هم تمکین می‌کنند. قابل ذکر است که این مشکلات اغلب بیش از آنکه درونی باشد از بیرون بر دارندگان این حرفه و تحصیلکردگان آن تحمیل می‌شود. شاید این نوع نگرش مخصوص به جامعه کتابداران ایرانی نیست. در جوامع دیگر نیز کم و بیش این سؤالات وجود دارد که خود نشان از فقر هویت است. در عین حال، به‌نظر می‌رسد شدت و حدت آن در جامعه ما بیشتر باشد.^۳

مشکل دوم القای مفهوم ایستای کتابداری است. از آنجاکه اغلب وقتی نام کتابداری برده می‌شود کتاب به معنای فیزیکی آن و یا کتابخانه و کتابفروشی که درون قفسه‌های

۲. بسیار اتفاق می‌افتد که وقتی دانشجویی در این رشته قبول می‌شود از او سؤال می‌شود شما دقیقاً چه کاره خواهید شد؟ او جواب درستی ندارد. او نمی‌داند که آیا کارش نگهداری کتاب‌های کتابخانه و یا امانت دادن و پس گرفتن آنهاست و یا وظایف دیگری هم دارد.

جنبه دوم ترادف نام کتابداری با کلماتی چون کفشداری، ائبارداری، بنگاهداری، خانه‌داری، و امثال آن است. این ترادف نام و به‌دنبال آن مقایسه سریع و ضمنی این حوزه در جامعه با سایر حرفه‌هایی که ذکر شد تأثیرات روانی خاصی بر روی حاملان این رشته و علاقه‌مندان آن می‌گذارد و ذهنیت‌هایی را به‌وجود می‌آورد که شاید از نظر اجتماعی اهمیت آن از عامل اول بیشتر است. زیرا در حوزه‌های دیگر هم دلالت اسم بر مسامهای خود همواره به‌صورت مطابقی نیست، اما این استنتاج و یا مقایسه به‌ندرت صورت می‌گیرد. به‌طور مثال، در علم روان‌شناسی در واقع روان مورد تجزیه و تحلیل قرار نمی‌گیرد، بلکه رفتارشناسی است که به نوعی نشانگر تمایلات روحی و روانی انسان است، اما کمتر کسی به این عدم مطابقت توجه می‌کند تا آن را نقطه ضعفی در این‌باره بداند.

مقایسه این حوزه علمی و فنی با پاره‌ای از حرفه‌های مذکور، دارای وجوه مختلفی است. گاه ممکن است از نظر شأن و منزلت اجتماعی با آن برابر نباشند مثل دامداری و چوبداری و یا در عرف جامعه به‌عنوان حرفه و یا حوزه علمی شناخته نشده باشند مثل کفشداری، و یا علی‌رغم اهمیتشان، آنقدر ساده، همگانی و عمومی‌اند که گویی اطلاق حرفه و شغل با آن کم‌رنگ و کم‌معنی است مثل خانه‌داری. در مجموع، این تلقی‌ها مشکلاتی را از نظر روانی به‌وجود آورده است که گاه تحمل آن برای بسیاری دشوار است. به‌عنوان مثال، در مراسم خواستگاری به‌ویژه برای آقایان اگر داوطلب بگوید که کتابدار است و یا دانشجوی کتابداری است ممکن است تا مدتی ذهن خانواده طرف مقابل را به خود مشغول کند که این چه شغلی است که او دارد و آیا شغلی قابل اعتنا و اتکاست؟

۳. در توضیح این مطلب شاید ذکر مطلب زیر خالی از فایده نباشد که در مدت فرصت مطالعاتیم بین سال‌های ۲۰۰۲-۲۰۰۳ با بعضی دوستان همکار در دانشگاه مک‌گیل، در مدرسه کتابداری کانادا، مشاهده کردم که آنها نیز از عدم برداشت درست از این رشته علمی در مقایسه با سایر حوزه‌ها گله داشتند. اما شاید بین آنچه آنان می‌اندیشند با آنچه در ذهنیت جامعه ما می‌گذرد تفاوت زیادی باشد.

آن کتاب‌هایی جا گرفته است به ذهن خطور می‌کند و در نظر مجسم می‌شود، این حالت رکود، سکون، و سکوت کتاب و کتابخانه بر مفهوم کتابداری نیز سایه می‌افکند. از این رو، به جای اینکه با نام کتابداری، دانش و تلاش محققان دانشمندان و یا پویایی و تحرک کتابداران باسواد و خبره در کتابخانه‌ها برای ارائه خدمت به جویندگان دانش متجلی شود و یا تبحر آنان در ارائه خدمات رایانه‌ای و تسهیل جست‌وجوها از طریق به‌کارگیری نرم‌افزارها و بانک‌های اطلاعاتی به نظر آید، گاه، همان مفهوم سنتی کتابدار که همچون بایگان‌های قدیمی در محیطی نه‌چندان مطلوب کار می‌کنند به ذهن متبادر می‌شود. ابرامی می‌گوید: «بدترین دشمن علم نوین که به زبان فارسی کتابداری خوانده می‌شود، خود کلمه کتابداری است» (۲: ۱۷).

اگرچه در دنیای امروز با توجه به توسعه فناوری، همه رشته‌ها و حوزه‌ها دستخوش تغییر شده‌اند، چنین به نظر می‌رسد که بعضی از رشته‌ها از نظر علمی یا فنی نکته برجسته‌ای ندارند. در حقیقت فناوری که کار خدمت‌رسانی را نه تنها در این رشته که در همه حوزه‌ها شکل و شمایل دیگری داده است نمی‌تواند از نظر محتوایی در درون رشته تغییری ایجاد کند. شاید به این دلیل است که می‌بینیم فناوران رایانه‌ای با تبحری که دارند حوزه‌های مزبور را قبضه کرده و جایی برای عرض اندام صاحبان آن حرفه‌ها نگذاشته‌اند. به‌طور مثال، انبارداری و یا هتلداری اگر از ابزارهای فنی استفاده کنند به

معنی تغییر ماهیت این حرفه‌ها نیست، بلکه ایجاد سهولت در انجام خدمات مشخصی است که انتظار آن می‌رود. کتابداری نیز در این زمینه آسیب‌پذیری فراوان داشته است و علی‌رغم تحول سریعی که در دنیای امروز داشته مدعیانی هم پیدا کرده است.

۲. نبودن جایگاه مشخص و معتبر برای

کتابداری

از مسائل مهم دیگر اینکه جایگاه رشته کتابداری در عرف جامعه مشخص نیست. اغلب پایگاه آن را در علوم اجتماعی می‌جویند. فاسکت^۴ آن را از علوم اجتماعی می‌داند (۱۳: ۱۶). دیگری می‌گوید: «به پیشنهاد ما علم کتابداری نه تنها رشته‌ای دانشگاهی است، بلکه اختصاصاً یکی از رشته‌های علوم اجتماعی با زمینه‌های فرعی گوناگون است» (۱۱: ۷). این مطلب درباره اتصال سازمانی گروه و یا مدرسه کتابداری به دانشکده‌های مادر هم مطرح است. بعضی جاها آن را به دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، پاره‌ای به دانشکده ادبیات، بعضی به مدیریت، و برخی دیگر آن را به کتابخانه مرکزی مرتبط می‌کنند.

۳. کتابخانه به جای کتابداری

درست است که اگر کتابخانه نبود شاید علم کتابداری فعلی یا به وجود نمی‌آمد و یا شکل دیگری داشت، اما این هم درست نیست که کتابداری را صرفاً علم کتابخانه‌ها بدانیم و در واقع، حوزه‌ای را مولود و نتیجه آن

تعریف کنیم. به نظر اینجانب اگرچه درست نیست که کتابداری را زائیده کتابخانه‌ها و مترادف و همزاد آن بدانیم، اما باید پذیرفت که این واقعیتی است که اتفاق افتاده است و بسیاری از محققان این حوزه ناچار انتظاری که از این رشته داشته‌اند جز این نبوده است که بتوانند خود را در قالب محصول خویش بنمایانند. شاید نوع نگرش جامعه به کتابخانه نیز در این زمینه بی‌تأثیر نبوده است. برای مثال موکهرجی^۵ برای توجیه کتابداری می‌گوید:

«کتابخانه برای جامعه دو کارکرد فعال به عهده می‌گیرد که یکی آموزش است و دیگری سرگرمی» (۱۳: ۲۱). ملاحظه می‌شود در این تعریف به دو عنصر اشاره شده است یکی آموزش که اختصاصاً از وظایف سازمان‌های آموزشی چون آموزش و پرورش و آموزش عالی است و دیگری سرگرمی که سازمان‌های بسیاری می‌توانند داعیه‌دار آن باشند. شاید چنین تعریفی برای کتابخانه در بخش اول اغراق‌آمیز و در بخش دوم چندش‌آور باشد، تا چه رسد که بخواهد حوزه‌ای علمی به نام کتابداری با آن تعریف شود. در جای دیگری آمده است:

«کتابخانه به منزله یک نهاد، بخش جدایی‌ناپذیر سازمان اجتماعی است که در درون آن عمل می‌کند. پا گرفتن و توسعه آن زائیده نیازهای زندگی و در پاسخ به نیازهای اجتماعی است. نقش اصلی آن به عنوان بخشی از سازمان اجتماعی، فراهم‌آوری و توسعه ابزار است که به دستیابی آسان دانش کمک می‌کند» (۱۳: ۲۰).

این تعریف هم چنگی به دل نمی‌زند و اعتبار کتابخانه‌ها را در حد بسیاری از مشاغل ساده دیگر که مورد نیاز جامعه است کاهش می‌دهد. ظاهراً نیتکی^۶ تعریف بهتری از کتابخانه دارد. او می‌گوید:

«گرچه کتابخانه در درجه نخست نهادی است که برای خدمت به خواننده طرح‌ریزی شده، منزلت فعلی آن در جامعه آن گونه است که [بیشتر] راهگشای فعالی در اندیشه‌ها به‌شمار می‌رود تا محل تجمع انفعالی کتاب‌ها» (۱۳: ۳۲).

بخش اول این تعریف با تعریف بسیاری از امور عام‌المنفعه جامعه و چه بسا همه علوم مشترک است. قسمت دوم آن هم بیشتر به تعارف شبیه است! پنج اصل کتابداری را نگانانان بیش از آنکه فلسفه‌ای جدی برای کتابداری باشد فلسفه‌ای برای کتابخانه و متولیان آن است. او گفته است: «این قوانین فلسفه عملی کتابداری است و مباحث قابل توجهی در باب فعالیت‌های کتابخانه را در این قوانین می‌توان یافت»، ولی اظهار می‌دارد که این مطالب در باب فعالیت‌های کتابخانه است. او اصول زیر را که اصول کتابداری می‌نامد و در واقع اصول حاکم بر کتابخانه‌هاست، چنین برمی‌شمرد: «کتاب برای استفاده است، هر کتاب خواننده‌اش، هر خواننده‌ای کتابش، وقت خواننده را به هدر ندهید، و کتابخانه اندام‌واره‌ای است زنده و بالنده» (۱۳).

تعریف کردن کتابداری با کتابخانه مثل این می‌ماند که داروسازی را با داروخانه تعریف کنیم و یا علم پزشکی را با بیمارستان توجیه

نماییم؛ درحالی که چنین نیست. ما داروخانه و بیمارستان داشته باشیم و یا نداشته باشیم ضرورتاً به شناخت داروها و مداوای بیماران نیازمندیم. در اینجا هم می‌توان تصور کرد که اگر کتابخانه نبود آیا بشر برای فهم خود و جهان اطراف خویش نیازی به تقسیم‌بندی علوم و دانش خویش برای بازیابی نداشت؟ آیا اگر کتابخانه نباشد هیچ فرد دانشمندی به فکر طبقه‌بندی کتاب‌ها، دانش و یا حتی اندوخته‌های ذهنی خود نمی‌افتد. صرف‌نظر از افراد دانشمند آیا هر انسان عاقلی در زندگی برای سامان‌دهی بهتر زندگی نیاز به دسته‌بندی و طبقه‌بندی معلومات خویش ندارد؟

۴. فقدان مبانی نظری

هر حوزه علمی زمانی می‌تواند به خود ببالد که بتواند در مسیر تاریخی متکامل شود و از راه پاسخ به مسائل، خود را مطرح نماید و هویت خود را از طریق تکیه بر خصوصیات ذاتی خویش به نمایش بگذارد. دیدگاهی کاربردی گاه بر رشد رشته علمی تأثیر منفی دارد (۱۸: ۱۹). به نظر می‌رسد رشته کتابداری، با تعاریفی که تاکنون از آن شده است فاقد مبانی نظری و یا دست‌کم نظریه خوب و صریح است. به قول یورلند^۷ این رشته همانند رشته پزشکی در وهله اول دارای هدفی عملی است. بیشترین مسئله‌ای که بر آن تأکید می‌شود خدمت به مردم و جلب رضایت متقاضیان است. این امر در جای خود بسیار اهمیت دارد، اما نمی‌تواند به‌عنوان

نظریه‌ای قوی به آن نیرو دهد تا همپای سایر حوزه‌ها قد برافرازد. درنهایت می‌تواند به‌عنوان مشاغل خدماتی دیگر در زیرمجموعه حوزه‌ای دیگر به فعالیت پردازد و متناسب با تغییر خواست‌ها و نگرش‌ها تغییر کند و خود را هماهنگ سازد. اسدالله آزاد در این زمینه می‌گوید: «بیشترین رشته‌هایی که به منزله علم جایگاه خود را یافته‌اند و پایگاهی درخور اعتنا پیدا کرده‌اند آنهایی هستند که از هر دو دیدگاه علمی و فلسفی، کیفیت پدیده‌های ویژه خویش را بازنگریسته‌اند. در این میان علم کتابداری که در واقع جوانه نورسته بر پیکر تنومند علوم امروز است، بیش از حد به وظایف و کارکردهای عملی و فرایندهای فنی عنایت کرده و کمتر به اصول نظری و علمی پرداخته است» (۱۱: مقدمه).

کرایست^۸ هم می‌افزاید: «نبود پایه نظری مشکلات عظیمی را بر سر راه آموزش کتابداری قرار می‌دهد» او سپس چنین ادامه می‌دهد: «بخش اعظم مطالبی که دانشجویان کتابداری کسب می‌کنند عبارات ناپخته، مبهم، و معمولی است که خط‌مشی‌های عملی، و نه مسائل نظری رشته را مورد بحث قرار می‌دهد» (۱۱: ۹).

در واقع، برای ماندگاری هر حوزه علمی باید مبانی معرفت‌شناختی آن را اصلاح کرد، زیرا به اعتقاد وی: «معرفت‌شناسی، به منزله شاخه‌ای از فلسفه، برای تمامی دانش‌ها و دریافته‌ها بنیادی است. این امر به‌ویژه در مورد رشته‌های دانشگاهی صادق است. متأسفانه، فلسفه و معرفت‌شناسی موضوع‌هایی هستند

7. Hjørland

8. Christ

که علم کتابداری کمتر به بازشناسی آنها عنایت کرده است» (۱۱: ۱۴).

در هر حال به اعتقاد جمعی «رابطه متقابل میان فلسفه و علم از اهمیتی والا برخوردار است» (۱۳: ۳۶). موکهرجی در این باره نظر موجزتری دارد و می‌گوید: «خلاصه کلام آنکه کتابداری به تکوین فلسفه‌ای نیاز دارد که در پیچیدگی‌های سرشت آن به غور و بررسی پردازد، فلسفه‌ای که بتواند تفسیر اهداف ما را روشن کرده و بدین ترتیب مشکلات عملی را حل کند و برای مشکلات عادی راه چاره‌ای بیابد» (۱۱: ۱۹).

۵. نارسایی در پیوند بین دو مفهوم کتابداری و اطلاع‌رسانی

نکته دیگری که باید اضافه شود این است که اصطلاح کتابداری نمی‌تواند بیانگر انتظاراتی باشد که از نظر سنتی باید به آن پاسخ گوید تا چه رسد که بتواند بار اطلاع‌رسانی را هم بر دوش بکشد. اگر بدون تعصب به این نام‌گذاری بنگریم علی‌رغم قداست واژه‌های کتاب و کتابخانه در فرهنگ و مذهب ما، این نام‌گویی واقعی خدماتی که در جهان اطلاعاتی امروز از آن انتظار می‌رود نیست. این نام‌گذاری بر ذهن برنامه‌ریزان و تصمیم‌گیرندگان تأثیر روانی مضاعفی داشته و دارد. اکنون که با ورود فناوری به دنیای علم و تحقیق کار اطلاع‌رسانی شکل و شمایل دیگری پیدا کرده است، اگرچه در بسیاری از موارد کتابداران سعی کرده‌اند که دامنه فعالیت خود را گسترش دهند - با آنکه دیر به صحنه

آمده‌اند - اذعان دارند که فعالیت‌های آنان در نام کتابداری نمی‌گنجد. یا باید تعریف جدیدی از کتابداری داشته باشند و یا از نام آن عدول کرده و به عالم اطلاع‌رسانی، خدمات اطلاعاتی، فناوری اطلاعات، و مانند آن پناه ببرند. این البته در صورتی است که با معارضانی چون متخصصان رایانه و یا علوم ارتباطات (۹) مواجه نشوند. نکته اینجاست که اگر از مفاهیم نظری عدول و به تعاریف عملیاتی و حرفه‌ای بسنده کنیم باز کمتر می‌توان محملی برای توجیه این رشته پیدا کرد. کرایست می‌گوید: «فقدان فلسفه‌ای حرفه‌ای بر پیشرفت اصطلاح‌شناسی حرفه‌ای نیز متقابلاً اثر گذاشته است. اریک مون در ارزیابی علم کتابداری به اهمیت وجود یک اصطلاح‌شناسی معیار توجه دارد» (۱۱: ۲۲). او از قول آرچیبالد مک لیش^۹ چنین ادامه می‌دهد: «برای کتابدار تازه‌کار هیچ چیز مشکل‌تر از کشف اینکه به چه حرفه‌ای داخل می‌شود نیست. پاره‌ای حرفه‌ها به معرفی خود می‌پردازند. پاره‌ای دیگر را دست‌اندرکاران آنها معرفی می‌کنند. حرفه کتابداری از هیچ‌یک از این دو مقوله نیست. کتابدار را نه به خاطر آنچه انجام می‌دهد به این نام می‌خوانند، همچون زارع که به کشت و زرع می‌پردازد یا حقوقدان که با قوانین سروکار دارد، بلکه به واسطه مکانی که در آن کار می‌کند به این نام معروف است. تعاریفی که از کتابدار به عمل می‌آید، گرچه در تشریح کمالات کتابدار از روشنی بیان برخوردار است، در بیان این‌که کمالات کتابدار برای چیست سکوت اختیار

می‌کند» (۱۱: ۲۳).

البته باید توجه داشت که با آنکه ممکن است اطلاع‌رسانی برای جمع‌گیری جاذبه بیشتری نسبت به کتابداری داشته باشد اما برای آن نیز، مشکل ابهام و فقر مبنایی وجود دارد. آلیس^{۱۰} و دیگران می‌گویند: «نویسندگان بسیاری تلاش کرده‌اند ماهیت علم اطلاع‌رسانی را تعریف کنند (۵). اما آنها در مورد اساس علم اطلاع‌رسانی تفاهم ندارند. آنها همچنین اعتقاد دارند که مفهوم اطلاعات، آنچنان وسیع است که نمی‌توان آن را تنها از زاویه کتابخانه دید (۱۹: ۶۳-۱۰۰). انجمن اطلاع‌رسانان امریکا هم با آنکه این حوزه را علم نامید، نتوانست مشکلات نظری اطلاع‌رسانی را حل کند. برشمردن بیش از ۷۰۰ تعریف برای علم اطلاع‌رسانی ناشی از آشفتگی موجود در این حوزه است» (۱۸: ۱۳). در هر حال، اینجا هم کتابدار به جای توجه به واقعیتی برتر، اطلاعات را از زاویه کتابخانه می‌نگرد. به قول آلیس و دیگران «کتابدار، اطلاعات را از نظر محمل‌های بزرگی مثل کتاب، گزارش، مجله و اکنون انواع مدارک الکترونیکی مختلف و در واقع از دید سطح بالاتر سازمان یعنی کتابخانه مورد توجه قرار می‌دهد. به بیانی دیگر، خود اطلاعات، یک مفهوم واحد نیست. بلکه سطوح سازمانی متفاوتی دارد» (۵: ۱۰۴).

در واقع، اصطلاح علم اطلاع‌رسانی با عالم اطلاعات و در ارتباط با صنعت آغاز شد. عالم اطلاعات می‌خواست تا به تازه‌واردان به این حرفه آموزش دهد (۱۶: ۷۵). انجمن علوم

اطلاع‌رسانان امریکا هم علاوه بر خاستگاه دانشگاهی ریشه‌های قوی در صنعت دارد (۱۷: ۳۱۲).

جالب توجه اینکه در تعریف دو اصطلاح کتابداری و اطلاع‌رسانی در اصطلاحنامه کتابداری تفاوت ماهوی ملاحظه می‌شود (۷: ۱۸ و ۲۴۳). کامران فانی هم در حالی که برای اطلاع‌رسانی حرمت بیشتری قائل است، اعتراف می‌کند که برای کتابداری و اطلاع‌رسانی تعریف جامع و مانعی وجود ندارد (۸).

۶. اصرار عده‌ای بر حذف نام کتابداری در نام‌گذاری این رشته

با توجه به آنچه در بند ۵ گفته شد و با عنایت به مفهوم نارسای کتابداری در همه جا، به‌ویژه دنیای غرب، به مجرد طرح نام اطلاع‌رسانی بسیاری از مدیران گروه‌های کتابداری به حق یا به ناحق، شتابزده سعی در حذف واژه کتابداری از نام گروه و یا مدرسه خود کردند. البته آنهایی هم که از واژه کتابداری دفاع کردند دفاع آنان دفاع منفعلانه بود و نه تهاجمی. به این معنا که پذیرفتند که اطلاع‌رسانی دارای بار معنایی بیشتری است و دست‌کم در عصر فناوری اطلاعات و با توسعه فناوری هماهنگ‌تر است. اما اظهار می‌داشتند که کتابداری در این موضوع پیشروست. استقبال از تغییر نام نه تنها در کشورهایی مثل امریکا و کانادا مطرح بود، حتی کشورهایی چون تایلند و آفریقای جنوبی نیز از این تغییر نام استقبال کردند. «برخی گروه‌ها به خاطر

داشتن نام کتابداری که حالتی بازدارنده در ثبت نام دانشجویان جدید دارد، تعطیل شده‌اند و بعضی اسم رشته، مقاطع، و ماهیت دروس را تغییر داده‌اند (۲۵؛ ۱۴: ۵-۲۴).

۷. تفویض مدیریت کتابخانه‌ها به غیر کتابدار

گسترده‌گی کار اطلاع‌رسانی از یک طرف و انتظار فوق‌العاده‌ی عده‌ی دیگری از مدیران به همراه طرز تلقی موجود از کتابدار، سبب شده است تا مدیران ارشد سازمان‌ها، دانشگاه‌ها، و دانشکده‌ها مدیریت کتابخانه‌ها را به غیر کتابدار بسپارند. توجه به این نکته خالی از لطف نیست که بسیاری معتقدند در علم اطلاع‌رسانی، آنچه اهمیت دارد دانش موضوعی و تخصصی است (۱۸: ۸) و تقریباً کمتر از نصف سمت‌های حرفه‌ای را متخصصان موضوعی احراز می‌کنند.

نبودن پشتوانه‌ی نظری برای این رشته و عملکرد مسئولان، کتابداران را به موضعی انفعالی کشانده است و چه بسا ناخودآگاه، عده‌ای خودکم‌بینی را پذیرفته‌اند. جالب توجه است که دروس کتابداری را که بررسی می‌کنیم کمتر اثری از مباحث نظری می‌یابیم. سازمان‌دهی به‌عنوان یک درس مهم حکایت از اهمیت موضوع طبقه‌بندی دارد ولی متأسفانه مدرسان آن صرفاً به کاری مکانیکی مشغول می‌شوند؛ یعنی استخراج شماره‌های از پیش تعیین شده برای استفاده در کتابخانه‌ها، شبیه کاری که کتابداران کتابخانه‌ی کنگره برای سامان‌دهی مجموعه‌ی خویش می‌کنند. در واقع در این فرایند، کتابداران سعی در کشف دیدگاه‌ها و نظرات شماره‌دهندگان

کتابخانه‌ی کنگره به موضوعات مختلف و ارائه راه‌حل‌های جدید آنها برای سؤالات وارده دارند. این کار اگرچه کار عده‌ای از کتابداران حرفه‌ای می‌تواند باشد، کار اصلی کتابداران واقعی که نام آنها را باید دانش‌شناسان گذاشت چیز دیگری است.

جالب‌تر از آن اصطلاحنامه‌ی اصفاست - که توسط برخی کتابداران از جمله نگارنده تدوین شده است - و در آن اصطلاح «مدیریت کتابخانه و اطلاع‌رسانی» و نیز «مدیریت آرشیو» به‌عنوان اولین مدخل اصلی در حوزه‌ی مدیریت مطرح شده است و نه در حوزه‌ی کتابداری. همچنین برنامه‌ریزی نظام ملی اطلاع‌رسانی و آرشیو هم در حوزه‌ی مدیریت قرار گرفته است (۴: ج ۲، ص ۷۱۹-۷۲۱). این شاید به این معناست که خود کتابداران برای مدیریت کتابخانه و نظام اطلاع‌رسانی در حوزه‌ی خود نقش مهمی قائل نیستند!

۸. واقعیت کتابداری و اطلاع‌رسانی در

زمان فعلی

اهمیت رشته‌ی کتابداری به‌ویژه از نظر عملی بر کسی پوشیده نیست. کثرت روزافزون تحقیقات علمی و نیاز به بازیابی اطلاعات این اهمیت را مضاعف کرده است.

در زمان فعلی کتابداری به سمت اطلاع‌رسانی تمایل پیدا کرده است. کتابداری علمی است که با دانش مدون سروکار دارد. در اینجا معنی وسیع دانش موردنظر است و هرگونه اطلاع آدمی را در علم، دانش، هنر و فن دربرمی‌گیرد (۲: ۲۷). واقعیت ممکن است از مقوله‌ی نفوذ و سیطره‌ی ابزار بر محتوا

هم بوده باشد، اما به هر حال در شرایط کنونی اطلاع‌جویی و اطلاع‌یابی جای اموری چون فهرستنویسی و رده‌بندی به معنای سنتی را گرفته است. امروزه بحث کتابخانه‌های مجازی و کتابخانه‌های بدون کتاب از مقولات رایج روز است. عده‌ای معتقدند که با تسهیلاتی که رایانه‌ها فراهم کرده‌اند دیگر جایی و فرصتی برای ائتلاف وقت جهت انجام امور سنتی و قدیمی کتابداری نیست، به‌ویژه که اصطلاح کتابداری بیش از گذشته این ناکارآمدی را القا می‌کند. صرف‌نظر از اینکه این فکر تا چه اندازه درست و یا غلط است به جرئت می‌توان گفت که مقوله اطلاع‌رسانی بیش از کتابداری با دانش‌شناسی می‌تواند مرتبط باشد، زیرا که با شناخت دانش و حوزه‌های آن می‌توان اطلاعات لازم را اخذ، دسته‌بندی، و نمایه‌سازی کرد تا بازیابی آن سریع‌تر صورت گیرد.

چرا چنین اتفاقی افتاده است؟

به نظر می‌رسد شرایط جدید معلول عواملی است که توجه به آن می‌تواند در تنظیم منطقی جدید برای کتابداری مؤثر باشد. این عوامل عبارتند از:

۱. کتابدار کتابشناس و دانشمند

نگارنده بر این باور است که برای ایجاد مدرسه و یا رشته کتابداری در غرب، در آغاز، پدیده کتابخانه و عمدتاً توسعه وضعیت فیزیکی آن مدنظر بوده است. به نظر نگارنده همچنان‌که الیس و دیگران هم می‌گویند در تبیین بنیان‌های نظری نظام‌های اطلاعاتی

کمتر به خاص نیاز انسان به بازیابی اطلاعات توجه شده است (۵: ۸۹).

اما اگر در تبیین رشته کتابداری و جست‌وجو برای یافتن هویت برای آن به جای اصرار بر واژه کتابخانه و «کارکرد اجتماعی» آن، که نسبت به هویت کتابداری امری خارجی است و بیشتر به توسعه کتابخانه توجه دارد تا هدف وجودی آن، به جامعیت دانش کتابدار و احاطه او به علوم و دانش، و یا تلاش متفکرانه وی برای یافتن رابطه و پیوند بین علوم و دانش زمانش می‌اندیشیدیم، قطعاً به تعریف دیگری دست می‌یافتیم.

نکته‌ای که به نظر نگارنده از آن غفلت شده این است که مفهوم کتابداری را کتابخانه به وجود نیاورده است، بلکه در آغاز دانشمندان و در پاره‌ای موارد کتابداران دانشمند بوده‌اند که به فکر ایجاد کتابخانه افتاده‌اند. مگر نه این است که هر فرد دانشمند قبل از هر چیز، دانش ذهنی خویش را به منظور بازیابی آنچه یافته است دسته‌بندی می‌کند، آنگاه چنانچه آثاری داشته باشد به فکر دسته‌بندی آثار خود می‌افتد و یا دیگری برای او چنین کاری را انجام می‌دهد. بنابراین، ما می‌توانستیم مفهوم دانشمند را که دغدغه خاطرش دسته‌بندی و تنظیم دانش خود و دیگران است توسعه داده و آن را مبنای ایجاد رشته کتابداری قرار دهیم. به عبارت روشن‌تر باید گفت، اصل طبقه‌بندی در زندگی برای بازیابی معلومات انسانی از ضروریات است و به قول آمیر «طبقه‌بندی علوم از فلسفه عمومی یا آموزش‌شناسی سرچشمه می‌گیرد» (۱۰: ۸)، زیرا طبیعت دانش جز طبقه‌بندی چیز دیگری نیست و این

طبقه‌بندی‌ها یا دربارهٔ اشیاست و یا تغییرات در آنها (۲۳: ۱). به تعبیر دیگر، تظاهر دانش جز از طریق طبقه‌بندی و تقسیم‌بندی امکان ندارد. طرح‌های طبقه‌بندی ظهور ماهیات و مفاهیم و روابط ساختاری دانشی را نشان می‌دهد که طبقه‌بندی شده است (۲۳: ۱).

۲. نیاز به اطلاعات و مدیریت آن

اگر از زاویهٔ دیگری به این موضوع نگاه کنیم باز حوزه‌ای به نام دانش‌شناسی و اطلاع‌رسانی را مقدم بر وجود کتابخانه می‌بینیم. زیرا انسان موجودی نیازمند اطلاعات است و برای رفع نیاز خود یا باید همیشه خود هر چیزی را تجربه کند و یا از افراد مطلع به‌عنوان مرجع سؤال بپرسد. این مرجع در آغاز، فردی است با دانش مدون و طبقه‌بندی و ذخیره شده در حافظهٔ اصلی و یا جانبی او شامل جزوه‌ها و کتاب‌ها که بعداً و در صورت کثرت جزوات و کتاب‌ها محلی به نام کتابخانه برای این منظور تدارک می‌شود. به این ترتیب، ملاحظه می‌شود که کتابخانه ابزاری است که پس از فراهم‌آوری حجم قابل توجه منابع معنی پیدا می‌کند، درحالی‌که نیاز به ذخیره و بازیابی اطلاعات بر ایجاد کتابخانه امری مقدم است. دنیای امروز دنیای سرعت است و رایانه در خدمت انسان و عامل اصلی سرعت است. ولی سخن در اینجا است که این سرعت تا چه اندازه بر دقت بازیابی افزوده است. هم‌اکنون بازیابی از نظر بسیاری خسته‌کننده است، زیرا کاربران را با انبوهی از اطلاعات ناخواسته مواجه می‌کند. بلوم فیلد^{۱۱} می‌گوید «مشکلات

در استفاده از اینترنت به‌عنوان وسیله‌ای برای جست‌وجو خسته‌کننده و کشنده است» (۲۲: ۶۳).

۳. ربط و ربط‌شناسی در نمایه‌سازی

ربط و ربط‌شناسی از مباحث جدی در بحث اطلاع‌رسانی شده است. در واقع، گویند پس از واقعیت، هر چه هست ربط است. بین سه تا یکصدویست نوع ربط را برشمرده‌اند (۲۱). یورلند می‌گوید: «نیاز اطلاعاتی با مفهوم ربط در ارتباط است» (۱۹). اما چگونه ممکن است این امر در سطح نمایه‌سازی از اهمیت برخوردار باشد، اما در کلان قضیه که یافتن ربط بین حوزه‌ها و شاخه‌های علوم است اصراری نباشد و به همان طبقه‌بندی‌های موجود، امثال رده‌بندی دیویی و کتابخانهٔ کنگره و مانند آن بسنده شود؟ در واقع، به نظر می‌رسد از آنجا که کتابداران پذیرفته‌اند که کارشان خدماتی است و هویتی جز نقش واسطهٔ بین منابع و مراجعان ندارند، لذا به طبقه‌بندی‌های موجود بسنده کرده‌اند و به‌عنوان مصرف‌کننده تلاش می‌کنند تا از قافلهٔ خدمتگزاران جامعه عقب نمانند. اگر تلاشی هم در جهت بهینه‌سازی نظام‌های اطلاع‌رسانی می‌کنند نه به این خاطر است که ذات این رشته آن را طلب می‌کند بلکه از آن‌روست که چون مخاطبان و مراجعان از بازیابی اطلاعاتشان ناراضی‌اند. لذا برای رفع مشکل آنها به چنین تلاش‌هایی دست می‌زنند. درحالی‌که به نظر می‌رسد کتابداران باید به حکم ضرورت دانش خود همواره به

طبقه‌بندی علوم و مقایسه انواع طبقه‌بندی‌ها و بررسی روابط طولی و عرضی مفاهیم و کلمات بیندیشند و درباره آنها بحث کنند. جملات زیر می‌تواند مؤید این نظر باشد:

«عاملی که به وازدگی فلسفی اسفبار کتابدار کمک کرده است، زمینه کار اوست. از آنجا که کتابدار بنا به درک خویش از وظیفه‌اش - عمدتاً سازمان‌دهی ظاهری مواد کتابی - آگاه است به نیازهای نظری حرفه‌اش علاقه‌ای ندارد» (۱۱: ۲۷).

۴. کتابسنجی، اقتصاد اطلاعات، ومانند آن

اخیراً عده‌ای تلاش کرده‌اند تا با توجه به اهمیت مباحث اقتصادی که همه حرفه‌ها را کم و بیش تحت تأثیر قرار داده است به ضرورت توجه به اقتصاد در اطلاعات هم توجه کنند. اما پژوهش در زمینه اقتصاد در اطلاعات و یا کتاب و نیز رسانه‌ها اگرچه امر مطلوبی است نمی‌تواند برای رشته کتابداری و اطلاع‌رسانی هویت مستقل ایجاد کند. سنجش و اندازه‌گیری در دنیای امروز در همه رشته‌ها جای خود را باز کرده است و دنیای سرمایه‌داری برای جلب و جذب سود بیشتر از همه امکانات استفاده می‌کند. بنابراین اصرار و امیدواری آنانی که می‌گفتند اگر اقتصاد و سنجش در این حوزه مطرح می‌شد می‌توانست به آن هویتی نو ببخشد چندان با واقعیت تطبیق نمی‌کند. به نظر کرایست (۱۳۶۵) توجه کنید که در گذشته، نوپیدانه در انتظار چنین روزهایی است که مسائل اقتصادی در کتابداری بتواند مشکلات

نظری آن را حل کند:

«روش پژوهش در علم کتابداری نیز بی‌نهایت محدود است. تحلیل آماری را به کار می‌گیرند اما مسئله‌سازی به نقطه‌ای از پیشرفت نرسیده است که بتواند خط‌مشی پژوهش‌های کمی را به حداکثر برساند» (۱۱: ۲۷).

پیشنهاد

پیشنهاد اینجانب این است که اولاً نام کتابداری به دانش‌شناسی و نام کل حوزه به دانش‌شناسی و اطلاع‌رسانی تبدیل شود. البته واژه دانش‌شناسی اول بار توسط ابرامی مطرح شده است و آن را معادل *universalogy* گرفته است (۲: ۲۷). اما به نظر می‌رسد ایشان با آنکه از نارسایی نام کتابداری به‌عللی که بعضی از آنها ذکر شد انتقاد می‌کند، در عین حال به خدماتی بودن رشته کتابداری همچنان پای‌بند است. او اشاره‌ای به بازکاوی هویت برای این رشته نکرده است. اخیراً زینز^{۱۲} (۲۰۰۷) برای علوم اطلاع‌رسانی «نالچ ساینس»^{۱۳} را پیشنهاد کرده است (۲۶). محمدی‌فر (۱۳۷۸) در تدوین کتاب فرهنگ دانش‌شناسی، دانش‌شناسی را با کلماتی چون: *epistemology, zetetics, science of science, metascience* برابر دانسته و «متاساینس» را برگزیده است (۱۲: پانزده و شانزده).

از آنجاکه هر علمی از نظر منطقی دارای موضوع، مسائل، و مبادی است (۳: نه) به نظر نگارنده، موضوع این حوزه می‌تواند تقسیم و طبقه‌بندی علوم (دانش) و مسائلش بحث و

بررسی دربارهٔ مقایسهٔ انواع طبقه‌بندی‌های علوم و بررسی ریط‌های بین حوزه‌ها و موضوعات علمی به صورت طولی و عرضی باشد. نیاز به طبقه‌بندی علوم به منظور بازیابی اطلاعات چیزی نیست که با و یا پس از تأسیس کتابخانه به وجود آید، بلکه نیاز فطری و ذاتی انسان در تمام مراحل زندگی

و به‌ویژه در حیات علمی اوست. قطعاً فایده و نتیجهٔ چنین تحقیقاتی عاید همهٔ انسان‌ها و همهٔ علوم و به‌ویژه کتابخانه‌ها خواهد شد. نمودار ۱ وضع موجود و پیشنهادی را در ارتباط بین کتابخانه، کتابداری، دانش‌شناسی، و اطلاع‌رسانی نشان می‌دهد.



نمودار ۱. مقایسهٔ بین وضع موجود و پیشنهادی سیر تحول مبانی کتابداری، دانش‌شناسی و اطلاع‌رسانی

به اعتقاد نویسنده ارتباط اطلاع‌رسانی با دانش‌شناسی به مراتب بیشتر از کتابداری است، زیرا آن کس که دانش‌شناس است می‌تواند اطلاعات را به‌نحو صحیح از درون دانش‌ها بیرون بکشد و با یافتن ارتباط درست بین مفاهیم و اصطلاحات هر مراجعه‌کننده‌ای را، به‌ویژه در کتابخانه‌ها و مراکز اطلاع‌رسانی هدایت کند. در واقع، هم‌چنان‌که در بررسی و شکل‌گیری دانش از داده و سپس اطلاعات می‌گذریم، در جهت عکس نیز باید دانست که چه بسیار اطلاعات که با تجزیه و تحلیل دانش به‌دست می‌آید. بنابراین، دانش‌شناس هم بهتر می‌تواند اطلاعات را به دانش تبدیل کند و هم می‌تواند دانش‌ها را به اجزای کوچک‌تر اطلاعات برگرداند. به قول یورلند «نیازهای اطلاعاتی به نوع مسائلی که باید حل شوند، ماهیت دانش موجود و شایستگی استفاده‌کننده وابسته است» (۱۹: ۸۲) و بنا به آنچه در اثری مانند «درجست‌وجوی حرفه‌ای عملی» آمده است: «دانش نیروی واحدی است و کتابداری و اطلاع‌رسانی باید بخشی از آن باشد» (۶: ۳۲۱). خوشبختانه اخیراً دانشمندان در تحقیقات خود به عنصر دانش توجه فراوان نموده‌اند و باآنکه به جنبه‌های شناختی هم بها داده‌اند، به دلیل تفکر کتابخانه‌ای نتوانسته‌اند خود را از جنبه‌های اجتماعی آن فارغ کنند. به‌طور مثال، فرو لیچ می‌گوید مبانی علم اطلاع‌رسانی باید بر دانش‌شناسی اجتماعی استوار باشد (۲۰: ۳۵۶). در هر حال، بسیاری از متفکران هریک به نوعی کتابداری و به‌ویژه اطلاع‌رسانی را با

مقوله دانش مرتبط می‌دانند. از نظر باد^{۱۴} دل نگرانی عمده کتابداری و اطلاع‌رسانی زنده ماندن و ادامه بقاست و آنچه از همه مهم‌تر است تفحص در ماهیت دانش و معرفت است و این تازه آغاز کار است (۶: ۳۴۴). تبیین دیدگاه خاص حوزه‌ای نیز به نوعی تأکید بر این مطلب است و به قولی دیگر بهترین راه درک مفهوم اطلاعات در علم اطلاع‌رسانی، مطالعه حوزه‌های دانش به‌عنوان جوامعی هم‌اندیش و یا هم‌کلام است (۲۰). ویکری^{۱۵} معتقد است دانش در یک رشته موضوعی خاص به‌صورت کاملاً منظم قابل ارائه است و برای سازمان‌دهی دانش راه‌های زیادی وجود دارد (۱۵: ۴۵۸-۴۵۹).

با این تعریف رشته دانش‌شناسی و اطلاع‌رسانی فقط رشته میان رشته‌ای نیست، بلکه رشته‌ای است کاملاً مستقل با هویتی مشخص که هم موضوع دارد و هم متکی به فلسفه خاصی است و دارای مسائل معلوم که متخصصان آن فارغ از مسائل کتابخانه به‌عنوان مسئله اصلی و نیازهای مراجعان بر روی مسائل آن، به بحث و بررسی می‌پردازند. جدول ۱ ویژگی‌های کتابداری و اطلاع‌رسانی را در وضع موجود و پیشنهادی نشان می‌دهد.

از آنجاکه کار این حوزه تحقیق بر روی انواع طبقه‌بندی‌ها و بررسی راهکارهای دیگر برای حرکتی نو می‌باشد، همواره می‌تواند و باید که وضعیت موجود را به چالش بکشد و در فکر خلق هویتی جدید از طریق نگاهی نو به تقسیم‌بندی علوم باشد. شاید نمونه‌ای از

جدول ۱. مقایسه وضعیت موجود و پیشنهادی حوزه دانش‌شناسی (کتابداری) و اطلاع‌رسانی

ویژگی ها / وضعیت	وضع موجود	پیشنهاد ما
۱ نام	کتابداری و اطلاع‌رسانی	دانش‌شناسی و اطلاع‌رسانی
۲ موضوع	نامشخص، شاید کتاب و کتابخانه	تقسیم‌بندی و طبقه‌بندی دانش (علوم)
۳ هویت	برگرفته از کتابخانه/ بحران هویت	از ضرورت بازیابی/ دانشمند کتابشناس/ کتابدار دانشمند
۴ تعریف	میهم، کارکرد اجتماعی، خدمات‌رسانی، دانش بین رشته‌ای	علمی است که در تقسیمات علوم و رابطه بین حوزه‌ها و موضوعات علوم به صورت طولی و عرضی بحث می‌کند
۵ فایده	خدمت‌رسانی به جامعه، واسطه بین منابع و کاربران	تبیین حدود مرز علوم و برقراری رابطه بین آنها. سازمان‌دهی و مدیریت دانش/ مطالعه تطبیقی طرح‌های طبقه‌بندی
۶ وابستگی رشته‌ای	علوم تربیتی، علوم اجتماعی، علوم انسانی؟	فلسفه با شاخه‌های اجتماعی، تربیتی و
۷ پیوند بین اجزا	اطلاع‌رسانی با کتابداری ربط کمی دارد	اطلاع‌رسانی به نوعی از دل دانش‌شناسی برمی‌خیزد
۸ ضرورت	برخاسته از کتابخانه و نیاز جامعه	برخاسته از نیاز فطری انسان به تقسیم‌بندی اشیا و به‌ویژه محفوظات ذهنی، و سپس مکتوبات و اسناد
۹ نام شاغلان	متخصصان با کارکنان هم نام اند	دانش‌شناسان با کتابداران کتابخانه متفاوتند
۱۰ بهره‌گیران مستقیم	کتابداران و اطلاع‌رسانان	همه دانشمندان و دانش‌دوستان به‌ویژه کتابخانه‌ها و مراکز اطلاع‌رسانی
۱۱ ربط	به صورت جانبی، بین منابع و کاربر مطرح می‌شود	از مسائل اصلی این حوزه است. بین همه حوزه‌ها و زیرحوزه‌ها
۱۲ گستره	منابع و کاربران کتابخانه‌ها	دانش به‌طور کلی و دانشمندان
۱۳ استفاده‌کننده اصلی	کتابخانه‌ها و مراکز اطلاع‌رسانی	همه علوم برای ساخت اصطلاحنامه‌ها
۱۴ کتابخانه	موجد و پدیدآورنده	مولود و اصلی‌ترین بهره‌گیرنده

می‌شود، اگرچه حرفه هم بر مبنای علم شکل می‌گیرد و با شناخت اجمالی دانش (طبقه‌بندی)، چيستی دانش که موضوع علم فلسفه است و نیز آموزش و یادگیری دانش به صورت کلی، که موضوع علم آموزش و پرورش است، خارج می‌شوند. با قید روابط طولی و عرضی اصطلاحات ربط و ربط‌شناسی و نمایه‌سازی و اصطلاح‌شناسی و تا حدودی معناشناسی داخل و علم لغت و زبان و ادبیات و ارتباطات خارج می‌شود و با قید تخصصی، بحث روابط عامیانه اصطلاحات، که ممکن است

این نگرش ابداع طرح طبقه‌بندی علوم توسط نگارنده است که مدعی است با نگاهی دیگر می‌توان به معرفت جهان نائل شد^{۱۶}. بر اساس آنچه گفته شد تعریف دانش‌شناسی و اطلاع‌رسانی عبارت است از: «علمی است که از شناخت اجمالی و کلی دانش (طبقه‌بندی) و روابط طولی و عرضی اصطلاحات تخصصی در حوزه‌های مختلف به منظور بازیابی سریع اطلاعات بحث می‌کند». در این تعریف با قید علم، حرفه خارج

۱۶. این طرح بر دو اصل دو دویی و سلسله مراتبی استوار است. مقالات آن در دو مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران سال ۱۳۸۰ و عربی آن در مجله آفاق الحضارة الاسلامیة شماره ۵ سال ۱۳۷۸ به چاپ رسیده است. همچنین براساس این طرح، طرح طبقه‌بندی حوزه دانش‌شناسی (کتابداری) و اطلاع‌رسانی نیز ابداع شده که متن انگلیسی آن در مجله CCQ (۳۸/۲۰) در سال ۲۰۰۴ چاپ و انتشار یافته است.

موضوع بحث فرهنگ عامیانه و فولکلور باشد، خارج می‌شود. قید به منظور بازیابی سریع، مدیریت اطلاعات، و نیز استفاده از فناوری است، چون بدون مدیریت صحیح و استفاده از فناوری نمی‌توان سرعت دسترسی را تحقق بخشید. از آنجاکه کتابخانه ابزاری در جهت دسترسی سریع اطلاعات و دانش است، به‌کارگیری همه فنون و دانشی که در راه استفاده بهینه از این ابزار اجتماعی مؤثر است در این تعریف داخل می‌شود. رفتار اطلاع‌یابی، اقتصاد اطلاعات، و کتابسنجی، و مانند آن، که در مسیر تحقق استفاده سریع است داخل در این تعریف خواهد بود.

نتیجه‌گیری

ادعای این مقاله این است که کتابداری نام مناسبی برای این رشته نیست و دانش‌شناسی مناسب‌تر است. کتابداران واقعی دانش‌شناسان واقعی‌اند. اطلاع‌رسانی بیش از آنکه با کتابداری ربط داشته باشد به دانش‌شناسی مربوط است. بنابراین نام کلی برای این رشته دانش‌شناسی و اطلاع‌رسانی پیشنهاد می‌شود. در واقع، اگر دانش‌شناسان وظیفه خود را به‌نحو احسن انجام دهند به این معنا که رابطه بین موضوعات و اصطلاحات را به‌طور دقیق و علمی معین کنند بازیابی دقیق و سریع‌تر انجام می‌گیرد.

موضوع این رشته طبقه‌بندی علوم به معنای عام کلمه به‌منظور بازیابی اطلاعات و دانش است و مسائل آن بحث و بررسی در مورد ربط‌های طولی و عرضی بین مفاهیم و موضوعات و ارائه بهترین و کاربردی‌ترین

طرح طبقه‌بندی علوم است که در آن روابط بین مفاهیم و موضوعات کاملاً شفاف و روشن می‌شود. با این تعبیر، اگر اطلاعات و دانش در چارچوب الگو و طرح طبقه‌بندی خاصی پردازش شود - به این معنا که رابطه طولی و عرضی مفاهیم با هدف تسهیل بازیابی تبیین گردد - می‌توان گفت که این کار مربوط به دانش‌شناسان و اطلاع‌رسانان است. در این صورت، متخصصان دانش‌شناسی و اطلاع‌رسانی با دقت هر چه تمام‌تر در مباحث نظری غور می‌کنند و برای سرعت در امر بازیابی، در حوزه‌های متفاوت، بهترین و دقیق‌ترین گزینه‌ها را برای مصارف گوناگون از جمله تدوین اصطلاحنامه‌ها برمی‌گزینند. فناوری هم عامل تسریع در ابزار انتقال است. سرعت در جایی اهمیت دارد که پایه‌ها درست و صحیح باشد. اگر روابط بین مفاهیم و اصطلاحات دارای ابهام باشد و شاخه‌ها و زیرشاخه‌های حوزه‌ها و موضوعات به‌خوبی تبیین نشده باشد، بازیابی و انتقال خوب و سریع انجام نخواهد شد و به تعبیر دیگر اگر مجموعه‌ای از اطلاعات نامنظم در کنار هم قرار گرفته باشند بهترین و سریع‌ترین وسیله انتقال هم کاری از پیش نخواهد برد و چه بسا مشکلات را بیشتر نماید.

بنابراین اگر کتابدار به معنای کسی است که هم به‌طور اجمالی با علوم آشناست - به این معنا که به طبقه‌بندی دانش واقف است - و هم بهترین شیوه‌های بازیابی را می‌داند - به این معنا که می‌داند چه چیز در کجاست - دیگر دانش او به کتابخانه و یا مرکز اطلاعات وابسته نیست، بلکه برعکس

مراکزی این چنین به دانش کتابدار وابسته‌اند. هر دانش‌شناس ضرورتاً به بازیابی می‌اندیشد و ناگزیر با طبقه‌بندی و اصول آن آشناست و این چنین فردی هر جا که باشد وجودش مغتنم است.

منابع

۱. آرام، احمد. «کتابشناسی». در: *یادنامه علامه امینی*. تهران: انجام کتاب، ۱۳۵۲.
۲. ابرامی، هوشنگ. *شناختی از دانش شناسی (علوم کتابداری و دانش‌رسانی)*. تهران: نشر کتابدار، ۱۳۷۹.
۳. ابراهیمی دینانی، غلامحسین. *قواعد کلی در فلسفه اسلامی*. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۵.
۴. *اصطلاحنامه فرهنگی فارسی (اصفا)*. تدوین فریبرز خسروی با همکاری نرگس قدیمی و ملیحه کرباسیان. تهران: کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۰.
۵. ایس، دیوید؛ آلن، دیوید؛ ویلسون، تام. «علم اطلاع‌رسانی و نظام‌های اطلاعاتی: موضوعاتی مرتبط، رشته‌هایی جدا». ترجمه رحمت‌الله فتاحی. در: *مبانی، تاریخچه و فلسفه علم اطلاع‌رسانی*. تهران: کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۱.
۶. باد، جان م. «مبانی معرفت‌شناختی کتابداری و اطلاع‌رسانی». ترجمه نجلا حریری. در: *مبانی، تاریخچه و فلسفه علم اطلاع‌رسانی*. تهران: کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۱.
۷. سلطانی، پوری؛ راستین، فروردین. *اصطلاحنامه کتابداری*. تهران: کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۵.
۸. فانی، کامران. «از خیزش تئوریک تا تعریف

و فلسفه علم: گفتگو با کامران فانی». *فصلنامه کتاب*، دوره چهاردهم، ۴ (زمستان ۱۳۸۲): ۲۵۳-۲۶۲.

۹. فدائی عراقی، غلامرضا. «اطلاع‌شناسی، اطلاعات و ارتباطات». *مجله دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی*، دوره سی و پنجم، ۲ (۱۳۸۴).
۱۰. فروند، ژولین. آراء و نظریه‌ها در علوم انسانی. ترجمه علی محمد کاردان. تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۲.

۱۱. کرایست، جان. ام. *مبانی فلسفه کتابداری آموزشی*. ترجمه اسدالله آزاد. مشهد: مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۶۵.
۱۲. محمدی فر، محمدرضا. *فرهنگ دانش‌شناسی*. تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۸.
۱۳. موکهرجی، الف. ک. *تاریخ و فلسفه کتابداری*. ترجمه اسدالله آزاد. مشهد: آستان قدس رضوی، معاونت فرهنگی، [بی‌تا].
۱۴. نوکاریزی، محسن. «بررسی برنامه‌های درسی کارشناسی کتابداری و اطلاع‌رسانی». *کتابداری و اطلاع‌رسانی*، دوره هفتم، ۲ (تابستان ۱۳۸۳): ۵-۲۴.
۱۵. ویکری، برایان. «فرا نظریه و علم اطلاع‌رسانی». ترجمه ویدا بزرگ چمی. در: *مبانی، تاریخچه و فلسفه علم اطلاع‌رسانی*. تهران: کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۱.
۱۶. ویکری، برایان؛ ویکری، الینا. *علم اطلاع‌رسانی در نظر و عمل*. ترجمه عبدالحسین فرج پهلوی. مشهد: دانشگاه فردوسی، ۱۳۸۰.
۱۷. وینسور، دونالد. ای. «ریشه‌های صنعتی علم اطلاع‌رسانی». ترجمه کاظم حافظیان رضوی. در: *مبانی، تاریخچه و فلسفه علم اطلاع‌رسانی*. تهران: کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۱.

Quarterly, Vol. 35, No. 1 (2001).

23. Kawsnik, Barbara H. "The role of classification in knowledge representation and discovery". In: EBSCOhost- Full Result Display. *Library Trends*, Vol. 48, No.1 (1999).

24. Reigeluth, Charles M. Module 3: Concept Classification. [on-line]. Available: <http://www.indiana.edu/~idtheory/mehtods/m3b.html>

25. Wilson, Thomas D. "Curriculum and catastrophe: change in professional education". *Journal of Education for Library and Information Science Association for Library and Information Science Education*, Vol.43, No.4 (2002).

26. Zins, Chaim. "Classification of information science". *Journal of American Society for Information Science and Technology*, Vol.58, No.5 (2007).

تاریخ دریافت: ۱۳۸۵/۱۲/۷

۱۸. یورلند، برگر. «بنیادهای فلسفی، نظری، و عملی علم کتابداری و اطلاع‌رسانی». در: *مبانی، تاریخچه و فلسفه علم اطلاع‌رسانی*. ترجمه عبدالحسین آذرنگ. تهران: کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۱.

۱۹. همو. «معرفت‌شناسی و دیدگاه اجتماعی-شناختی در علم اطلاع‌رسانی». ترجمه مهدی خادمیان. *کتابداری و اطلاع‌رسانی*، دوره ششم، ۳ (پاییز ۱۳۸۲): ۶۳-۱۰۰.

۲۰. یورلند، برگر؛ الچسن، هان. «به سوی افقی نوین در علم اطلاع‌رسانی: تحلیل حوزه‌ای». ترجمه ناهید طباطبایی. در: *مبانی، تاریخچه و فلسفه علم اطلاع‌رسانی*. تهران: کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۱.

21. Bean, Carol; Green, Rebecca. *Relationships in organization of knowledge*. London: Kluwer Academic Publishers, 2001.

22. Bloomfield, Masse. "Indexing-Neglected and poorly understood". *Cataloging and Classification*

